



Linguistic Research in the Holy Quran.
Vol. 12, No. 1, 2023
Research Paper

Studying the effectiveness of George Yule's (2000) presupposition theory in determining the predictions of the first revealed chapters of the Holy Quran

Ensiyeh Sadat Hashemi

Assistant Professor, Department of Arabic Language and Literature, Tehran University, Tehran, Iran

Abstract

There are new theories in pragmatics, which deal with the study of the meaning in the context. One of these theories is George Yule's theory of presuppositions (2000), which proposes several types of presuppositions-based linguistic patterns. This article aims to investigate this theory's efficiency in identifying the presuppositions in the verses of the Holy Qur'an with a descriptive-analytical method. For this purpose, the first revealed surahs have been used as the basis of investigation. This research has studied the types of preconceptions raised in Yule's theory in the first five surahs revealed to examine the application of this theory in diagnosing the prejudices of the audience of the Age of Revelation based on the verses of the Qur'an. This study shows that definite nouns in Arabic indicate presupposition of existence and verbs with the meaning of knowing indicate factive presupposition; Rhetorical Questions and unreal conditionals show the non-factive presupposition; Superlative structure, and the use of sentences in the position of conjunction, adjective, and adverb, as well as modifying verbs are the signs of Structural presupposition. This research also shows that words such as Rabb, Qalam, and Cosmic and Otherworldly phenomena, etc., are presuppositions of the existence of the Age of Revelation, the lack of previous knowledge of man, and the existence of the misguided and guided people are factive presuppositions, and finally, the prophet's appeasement and the equality of Muslims and criminals are non-factive presuppositions.

Keywords: Pragmatics, Presuppositions, George Yule, The Holly Qur'an, First revealed surahs, Audience of the Age of Revelation.



This is an open access article under the CC- BY 4.0 License ([Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/)).



<https://doi.org/10.22108/NRGS.2023.135882.1834>

مطالعه کاربست نظریه پیش‌فرض‌های جورج یول (۲۰۰۰) در تعیین پیش‌فرض‌های

نخستین سوره‌های نازل‌شده قرآن کریم

انسبه سادات هاشمی*

استادیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران
nc.hashemi@ut.ac.ir

چکیده

نظریات حوزه کاربردشناسی زبان که به مطالعه معنا در بافت می‌پردازند، الگوهای جدیدی برای فهم معنا ارائه کرده‌اند. یکی از این نظریات، نظریه پیش‌فرض‌های جورج یول (۲۰۰۰) است که با بررسی الگوهای زبانی، چند نوع پیش‌فرض را براساس قرائن کلام مطرح می‌کند. مقاله حاضر درصدد آن است که با روش توصیفی تحلیلی کاربست این نظریه را در تشخیص پیش‌فرض‌های در نظر گرفته شده در آیات قرآن کریم بررسی کند. بدین منظور، نخستین سوره‌های نازل‌شده مبنای بررسی قرار گرفته‌اند تا نخستین پیش‌فرض‌ها براساس در نظر گرفتن مخاطب عصر نزول بررسی شوند. این پژوهش، انواع پیش‌فرض‌های مطرح‌شده در نظریه یول را در پنج سوره نخست نازل‌شده طبق قول مشهور مطالعه می‌کند تا کاربست این نظریه را در تشخیص پیش‌فرض مخاطبان عصر نزول براساس آیات قرآن بررسی کند. این بررسی نشان می‌دهد واژگان معرفه در زبان عربی بر پیش‌فرض وجودی، افعال دال بر دانستن بر پیش‌فرض واقعیت‌پذیر، اسلوب استفهام انکاری و حرف شرطیه امتناعیه بر پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر، ساختار تفضیلی در مفردات و کاربرد جمله در جایگاه صله، صفت و مضاف‌الیه و نیز افعال تغییر حالت بر پیش‌فرض واژگانی و طرح یک سؤال در ضمن سؤال دیگر بر پیش‌فرض ساختاری دلالت می‌کنند. همچنین، از این پژوهش روشن می‌شود واژگانی همچون رب، قلم و پدیده‌های آفاقی و اخروی و غیره از پیش‌فرض‌های وجودی عصر نزول، عدم علم پیشین انسان و وجود گمراهان و هدایت‌یافتگان از پیش‌فرض‌های واقعیت‌پذیر، مداهنه پیامبر، تساوی مسلمانان و مجرمان از پیش‌فرض‌های واقعیت‌ناپذیر و عدم یقین پیشین اهل کتاب از پیش‌فرض‌های واژگانی هستند.

واژگان کلیدی: پیش‌فرض، جورج یول، قرآن کریم، نخستین سوره‌های نازل‌شده، مخاطبین عصر نزول.

۱. بیان مسئله

کاربردشناسی زبان شاخه‌ای از زبان‌شناسی است که معنای منتقل شده توسط گوینده یا نویسنده به شنونده یا خواننده را بررسی می‌کند. این رشته بیش از آنکه واژه یا عبارت را بررسی کند، منظور افراد از پاره‌گفتارهایشان را تحلیل می‌کند؛ بدین صورت که منظور افراد در یک بافت خاص و تأثیر آن بافت بر پاره‌گفتار را در نظر می‌گیرد تا ببیند سخنگویان چگونه با در نظر گرفتن مخاطب، مکان، زمان و شرایط حاکم سخن خود را سازماندهی می‌کنند؛ بنابراین، کاربردشناسی با بررسی معنای بافتی درصدد پاسخ به این سؤال است که شنوندگان چگونه برای فهم منظور گوینده، سخن او را استنباط می‌کنند و چگونه بخش بزرگی از ناگفته‌ها جزو پیام به‌شمار می‌رود. همچنین، به این پرسش پاسخ می‌دهد که چه عواملی تعیین می‌کنند چه چیز باید به زبان آید و چه چیز ناگفته بماند (ر.ک: یول، ۱۳۸۷ش، ص ۱۱-۱۲).

فرگه، منطق‌دان برجسته آلمان، مفهوم پیش‌فرض را در سال ۱۸۹۲ مطرح کرد (محمدی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۶). طبق تعریف یول پیش‌فرض موضوعی است که گوینده صحت آن را پیش از ادای پاره‌گفتار مفروض می‌گیرد (یول، ۱۳۸۷ش، ص ۴۰). یول پیش‌فرض‌ها را به چند نوع بالقوه، وجودی، واقعیت‌پذیر، واقعیت‌ناپذیر، واژگانی و ساختاری تقسیم می‌کند. هدف این پژوهش، نشان‌دادن گوشه‌ای از تناسب زبان قرآن کریم با مخاطب از نگاه کاربردشناسانه است. قرآن کریم در ابتدای نزول، به بیان مطالبی کاملاً جدید برای مخاطب نپرداخته است؛ بلکه از آنچه برای مخاطب مفروض بوده، استفاده کرده و با ابزار زبانی، آنها را به صورت پیش‌فرض به کار گرفته است. نظریه یول چارچوب مناسبی برای دسته‌بندی این پیش‌فرض‌ها ارائه می‌کند تا روشن شود قرآن کریم از کدام پیش‌فرض‌های وجودی، واقعیت‌پذیر، غیر

واقعیت‌پذیر و غیره استفاده کرده و هریک را در چه قالب زبانی مطرح کرده است. پژوهش حاضر با روش توصیفی تحلیلی، انواع پیش‌فرض‌ها را در پنج سوره نخست نازل شده قرآن بررسی می‌کند تا به سؤالات زیر پاسخ دهد:

- قرآن کریم از کدام قالب‌های زبانی برای بیان پیش‌فرض‌ها استفاده کرده است؟

- نظریه پیش‌فرض‌های یول در تشخیص پیش‌فرض نخستین آیات نازل شده قرآن کریم تا چه حد کارآمد است؟

- پیش‌فرض‌های وجودی در نخستین سوره‌های قرآن کریم کدام‌اند؟

- پیش‌فرض‌های واقعیت‌پذیر و واقعیت‌ناپذیر در نخستین سوره‌های قرآن کریم کدام‌اند؟

- پیش‌فرض‌های واژگانی و ساختاری در نخستین سوره‌های قرآن کریم کدام‌اند؟

داده‌های تحقیق از نخستین سوره‌های نازل شده قرآن انتخاب شدند؛ چون هدف از پژوهش این است که پیش‌فرض‌های ذهنی مخاطبان عصر نزول بررسی شود، نه پیش‌فرض‌های حاصل از آیاتی که قبلاً نازل شده‌اند. ترتیب نزول آیات قرآن کریم تاکنون در کتب و مقالات مختلفی بررسی و اعتبارسنجی شده است. در مقاله اکرمی (۱۳۹۸) پس از اعتبارسنجی روش‌های مختلف بررسی ترتیب نزول آیات، جدولی براساس روایات ترتیب نزول ارائه شده است که ترتیب سوره‌ها را براساس روایت عطاء از ابن عباس به نقل از سیوطی، طبرسی و معرفت، روایت امام صادق (ع) به نقل از شهرستانی و ابن‌واقد و نیز تقسیم‌بندی ابن‌ندیم مطرح می‌کند. در اینجا ده سوره نخست این جدول ذکر می‌شود (اکرمی، ۱۳۹۸ش، ص ۱۲۲).

حذف می شوند. از سوره علق، تنها ۵ آیه نخست بررسی می شوند که طبق روایات، اولین آیات نازل شده بر پیامبر اکرم بوده اند (ملاحویش، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۳)، از سوره قلم به جز آیات ۱۷ تا ۳۳ و ۴۸ تا ۵۰ که مدنی اند (ملاحویش، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۷۵) و از سوره مزمل به جز آیات ۱۰ و ۱۱ و ۲۰ که مدنی اند (ملاحویش، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۹۰) سایر آیات بررسی می شوند (حذف).

۱-۱. پیشینه پژوهش

بررسی پیش فرض های قرآن در مقاله ناظمیان و همکاران (۱۳۹۲ش) با عنوان «پیش فرض های بافتی و تلاش پردازش در ترجمه آیات بافت محور قرآن؛ دیدگاه نظریه مناسبت» در چارچوب تحلیل گفتمان بررسی شده و با بهره گیری از ابزار تحلیل بافتی، عملکرد مترجمان در ارائه پیش فرض های لازم به مخاطب را (حذف) در راستای کاهش تلاش پردازش و افزایش سطح مناسبت متن بررسی شده است. نظریه یول نیز در مقاله فضائلی و طیرانی (۱۳۹۳ش) با عنوان «نگاهی کاربردشناختی به کلام امام خمینی (ره) درباره اصل ولایت فقیه؛ بررسی انواع پیش انگاری ها» به کار رفته و انواع پیش انگاری های مطرح شده از یول (حذف) در کلام امام مطالعه شده است. حبیب الله (۲۰۲۰م) در پایان نامه خود با عنوان «الافتراض المسبق فی روایة «عزایل» لیوسف زیدان بالنظر علی جورج یول: دراسة تحليلية تداولية» (پیش فرض ها در قرآن «عزایل» یوسف زیدان براساس نظریه جورج یول: بررسی تحلیلی معناساختی) شش نوع پیش فرض مذکور در نظریه جورج یول را بررسی کرده است. همچنین، مقاله رحیمی (۱۴۰۱ش) با عنوان «تحلیل زبانی - کاربردشناختی یک نامه دیوانی بر مبنای آرای جورج یول» به بررسی نامه اعیان دولت غزنوی به سلطان مسعود در کتاب تاریخ بیهقی براساس نظریه یول می پردازد و پیام های ضمنی و کنش های گفتاری آن را بررسی می کند.

عطاء از ابن عباس) به نقل سیوطی، طبرسی و معرفت	امام صادق(ع) به نقل شهرستانی و ابن واقد	ابن ندیم
۱- علق	۱	۱
۲- قلم	۲	۳
۳- مزمل	۳	۲
۴- مدثر	۴	۴
۵- فاتحه	-	-
۶- مسد	۵	۵
۷- تکویر	۶	۶
۸- اعلی	۷	۷
۹- لیل	۸	۱۲
۱۰- فجر	۹	۱۰

همان طور که در جدول بالا دیده می شود سوره های علق، قلم، مزمل، مدثر و مسد طبق تمام اقوال، نخستین سوره های نازل شده هستند و تفاوت های جزئی، آسیبی به نتایج پژوهش حاضر نمی زند. سلمان زاده نیز در پژوهش دیگری با استفاده روشمند از همه شاخص های دخیل و مؤثر در ترتیب نزول، در دو مرحله بررسی درونی و بیرونی اخبار ترتیب نزول، همین ترتیب را ارائه می کند (سلمان زاده، ۱۳۹۹ش، ص ۱۰۷ و ۱۱۱).

از آنجا که نظر واحدی درباره ترتیب نزول آیات و سوره قرآن کریم وجود ندارد، ترتیب نزول مشهور بین اخبار ترتیب نزول مدنظر قرار گرفته است. طبق این ترتیب نزول، اولین سوره های نازل شده قرآن عبارت اند از: علق، قلم، مزمل، مدثر، مسد، تکویر، اعلی، لیل و ... (سلمان زاده، ۱۳۹۹ش، ص ۱۱۱). پژوهش حاضر به بررسی پیش فرض های مخاطبین از پنج سوره نخست می پردازد. پژوهش ها نشان می دهند برخی از آیات این سوره ها مدنی هستند و بعد نازل شده اند و به دستور خداوند در جای خود قرار گرفته اند. براساس تفسیر بیان المعانی که طبق ترتیب نزول انجام شده است، آیات ۶ تا آخر سوره علق (ملاحویش، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۲۳)، ۱۷ تا ۳۳ و ۴۸ تا ۵۰ سوره قلم (ملاحویش، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۷۵) و ۱۰، ۱۱ و ۲۰ سوره مزمل (ملاحویش، ۱۳۸۲ش، ج ۱، ص ۹۰) مدنی اند که از داده های تحقیق

سه رأس اسب خرید» این پیش‌فرض‌ها را دارد: «شخصی به نام مری مریم وجود دارد» و «مری مریم برادری دارد». همچنین، ممکن است گوینده پیش‌فرض‌های خاص‌تری هم داشته باشد؛ مانند «مری مریم تنها یک برادر دارد» و «برادرش پولدار است». همه این پیش‌فرض‌ها مربوط به گوینده است و ممکن است همگی نادرست باشند (یول، ۱۳۷۸، ص ۴۱).

۲-۲. پیش‌فرض وجودی iii

در هر زبانی، شکل ساختمان‌های دستوری یا عبارت خاصی نمود می‌یابد و از داشتن، نداشتن، بودن یا نبودن (در هر حال صحت از وجود هستی یا عدم وجود چیزی) صحبت می‌کند (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۲۹). در پیش‌فرض وجودی، گوینده وجود یک چیز را مفروض می‌گیرد. ساختار دستوری ملکی در زبان انگلیسی، با پیش‌فرض «وجود داشتن» همراه است. فرض بر این است که پیش‌فرض وجودی نه تنها در ساختار ملکی (مانند «ماشین شما» = «شما ماشین دارید»)، در هر عبارت اسمی معرفه حضور دارد (یول، ۱۹۹۶، ص ۲۷). پیش‌فرض «وجود داشتن» در ساختار ملکی و به‌طور کلی هر عبارت اسمی معرفه حضور دارد (یول، ۱۳۷۸، ص ۴۳).

۲-۳. پیش‌فرض واقعیت‌پذیر یا وقوعی iv

گاهی گوینده پیش از بیان یک مطلب از افعالی مانند «می‌دانم که»، «فهمیدم که» یا عباراتی مانند «خوشحالم که»، «متأسفم که» استفاده می‌کند. به عقیده یول، جملاتی که بعد از این عبارات بیان می‌شوند، پیش‌فرض‌هایی هستند که فرض بر درست بودن آنهاست (یول، ۱۹۹۶، ص ۲۷). در زیر چند مثال از پیش‌فرض واقعیت‌پذیر ذکر شده است: پیش‌فرض واقعیت‌پذیر، حاصل از افعالی مانند دانستن است که به‌منزله یک واقعیت به‌شمار می‌آید (یول، ۱۳۷۸، ص ۴۳). پیش‌فرضی است که فرض بر درست بودن آن است. افعالی مانند دانستن، فهمیدن یا

تاکنون کاربست نظریه یول برای بررسی پیش‌فرض‌های آیات قرآن بررسی نشده است. مقاله حاضر درصدد بررسی چگونگی کاربست این نظریه در تشخیص پیش‌فرض‌های آیات قرآن در نخستین سوره‌های نازل‌شده است.

۲. مبانی نظری پژوهش

فرگه، منطق‌دان برجسته آلمان، مفهوم پیش‌فرض را در سال ۱۸۹۲ مطرح کرد. پیش‌فرض^۱ به اطلاعات ضمنی درون جمله یا پاره‌گفتار اشاره دارد. در متون زبان‌شناسی به جای اصطلاح پیش‌فرض، واژه‌هایی چون دانش پس‌زمینه و ضمنی (تلویحی) به کار می‌رود (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۲۶). طبق تعریف یول، پیش‌فرض عبارت از موضوعی است که چیزی است که گوینده فرض می‌کند پیش از ادای پاره‌گفت حقیقت وجود دارد. بر این اساس، این گوینده است که پیش‌فرض دارد، نه جمله (یول، ۱۳۷۸، ص ۴۰؛ ۱۹۹۶، ص ۲۵). یول انواع مختلف پیش‌فرض‌ها را به دسته‌های زیر تقسیم‌بندی کرده است:

۲-۱. پیش‌فرض بالقوه ii

پیش‌فرض با کاربرد شمار زیادی از کلمات، عبارات و ساختارها در پیوند است. این صورت‌های زبانی به‌منزله شاخص‌های پیش‌فرض بالقوه در نظر گرفته می‌شوند که تنها هنگامی به پیش‌فرض‌های واقعی تبدیل می‌شوند که گوینده آنها را در بافت کلامی به کار گیرد (یول، ۱۹۹۶، ص ۲۷).

کلیه پیش‌فرض‌ها با کاربرد تعداد زیادی از واژه‌ها، عبارات و ساختارها در پیوند است. تا زمانی که این امکانات زبانی در ذهن هست وجود دارند و هنوز نمود خارجی پیدا نکرده‌اند یا در بافت کلامی به بیان نیامده‌اند و می‌توانند بیان شوند، پیش‌فرض بالقوه می‌نامند، یعنی بالفعل نشده‌اند (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۲۹). حذف برای مثال، گوینده معمولاً در تولید پاره‌گفت «برادر مری مریم

دوستم نیستی) (بول، ۱۳۷۸، ص ۴۶).

۲-۵. پیش‌فرض واژگانی

در پیش‌فرض واژگانی، معمولاً تعبیر متعارف یک واژه براساس معنی بیان‌شده یعنی لفظ و معنی بیان‌نشده یعنی پیش‌فرض آن صورت می‌گیرد. برای مثال، معنی بیان‌شده عبارت «از عهده کاری برآمدن» این است که شخصی موفق به انجام آن کار شده است؛ اما پیش‌فرض یا معنی بیان‌نشده آن این است که «آن شخص در انجام آن کار کوشیده است». واژگانی مانند «ترک کردن»، «شروع کردن» و «دوباره» معمولاً دارای پیش‌فرض واژگانی هستند؛ مانند:

الف) او سیگارکشیدن را ترک کرد. (<< او سیگار می‌کشید)
ب) آنها شروع به گله کردند. (<< آنها قبلاً گله نمی‌کردند)

ج) شما دوباره دیر آمدید. (<< شما قبلاً نیز دیر آمدید)

تفاوت پیش‌فرض واژگانی با واقعیت‌پذیر در این است که در واژگانی گفته‌گوینده حاوی معنای ناگفته دیگری نیز هست؛ اما در واقعیت‌پذیر، کاربرد عبارت به شکلی است که برداشت می‌شود گوینده صحت اطلاعات بیان‌شده را از قبل مفروض می‌داند (بول، ۱۳۷۸، ص ۴۴). به باور لوینسون، افعال استنباطی، افعال تغییر حالت، تکراری‌ها، افعال مربوط به قضاوت، ساخت‌های مقایسه‌ای و تقابلی دارای پیش‌فرض واژگانی هستند؛ افعال استنباطی مانند فراموش کردن، از عهده کار برآمدن، مجبوربودن و غیره. افعال تغییر حالت مانند آغازکردن، ادامه‌دادن، پایان‌دادن، واردشدن و غیره، افعال تکراری‌ها با کلمات خاصی مانند دیگری، دوباره، برگشتن و غیره مشخص می‌شوند. افعال قضاوت افعالی هستند که از نگاه مخاطب قضاوت می‌شود؛ مانند متهم کردن، محکوم کردن و غیره. ساختارهای مقایسه‌ای یا تفضیلی و تقابلی، درجه صفتی را بین دو شخص یا دو چیز مقایسه می‌کنند

تشخیص دادن به منزله یک واقعیت تلقی می‌شوند و عبارتی که شامل فعل (بودن) همراه با «آگاه»، «عجیب»، خوشحال، متأسف هستند، پیش‌فرض واقعیت‌پذیر دارند. کیپارسکی (۱۹۷۰) همانند بول، این افعال واقعیت‌پذیر را در جملات بند موصولی پیشنهاد می‌کند: خوشحالم که، افتخار می‌کنم که، نگرانم که و ... (محمدی، ۱۳۹۶، ص ۳۰). کلمات مشخص‌شده در مثال‌های زیر پیش‌فرض واقعیت‌پذیر دارند:

۱) الف) نفهمید که او بیمار است. (<< او بیمار بود)

ب) متأسفیم که به او گفتیم. (<< به او گفتیم)

ج) آگاه نبودم که او متأهل است. (<< او متأهل بود)

د) عجیب نیست که او زود رفت. (<< او زود رفت)

ه) خوشحالم که تمام شد. (<< تمام شد) (بول،

۱۳۷۸، ص ۴۳).

۲-۴. پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر^۷

پیش‌فرضی است که فرض بر نادرست‌بودن خلاف واقع‌بودن آن است یا به عبارتی دیگر، نادرست بودنشان مفروض است. افعالی همچون «خواب‌دیدن»، «خیال‌کردن» و «وانمودکردن» این پیش‌فرض را دارند که آنچه پس از آنها می‌آید، نادرست خلاف واقع است. مثال‌های زیر دارای این پیش‌فرض هستند:

الف) خواب دیدم که ثروتمند بودم. (<< ثروتمند نبودم)

ب) خیال می‌کردیم که در هاوایی هستیم. (<< در هاوایی نبودیم)

ج) او وانمود می‌کند که مریض است. (<< او مریض نیست) (بول، ۱۳۷۸، ص ۴۵).

شرطی خلاف واقع نیز دارای پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر است و این پیش‌فرض را می‌رساند که اطلاعات موجود در بند شرطی، هنگام ادای پاره‌گفت صحت واقعیت ندارد:

اگر دوستم بودی، به من کمک کرده بودی (<< شما

(محمدی، ۱۳۹۶، صص ۳۳-۳۶).

(ب) دو چرخه را کجا خریدی؟ (<< تو دو چرخه

خریدی)

در این مثال، پرسشگر رفتن او را مفروض می‌گیرد و از زمان آن می‌پرسد. در سؤال دوم نیز خریدن دو چرخه مفروض، گرفته و از مکان خرید پرسش می‌شود (یول، ۱۳۷۸، صص ۴۴-۴۵).

۳. بررسی داده‌های پژوهش

۳-۱. پیش فرض بالقوه

گفته شد پیش فرض بالقوه امکاناتی زبانی است که در ذهن وجود دارد؛ ولی در بافت کلامی به کار نرفته است. پیش فرض‌های بالقوه استخراج شده از آیات مورد بحث عبارت‌اند از:

(الف) او چه موقع رفت؟ (<< او رفت)

پیش فرض بالقوه	آیه
مخاطب می‌تواند بخواند. مخاطب پروردگاری دارد.	«اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ»: بخوان به نام پروردگارت که (همه چیز را) آفرید (علق: ۱).
انسان چیزهایی را نمی‌دانسته است. انسان‌ها می‌نوشته‌اند.	«عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ»: به انسان آنچه را نمی‌دانست آموخت. (علق: ۵) «وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ»: سوگند به قلم و آنچه می‌نویسند. (قلم: ۱)
به پیامبر مجنون می‌گفته‌اند.	«مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ»: که تو نسبت به نعمت پروردگارت دیوانه نیستی. (قلم: ۲)
عده‌ای پیامبر را تکذیب می‌کردند.	«فَلَا تَطِعِ الْمُكَذِّبِينَ»: پس از تکذیب‌کنندگان اطاعت مکن. (قلم: ۸)
پیامبر را به سازش دعوت کرده‌اند.	«وَدُّوا لَوْ تُدْهِىٰ فَيْدْهِیُونَ»: (آنان) سستی کردن تو را و سستی کردن خود را آرزو می‌کنند. (قلم: ۹)
کسی از میان مخاطبان پیامبر بسیار قسم می‌خورده و پست، عیب‌جو، سخن‌چین، مانع خیر، متجاوز، گناهکار، خشن، نانجیب و دارای مال و فرزند بوده است.	«وَلَا تَطِعِ كُلَّ خَلَّافٍ مَّهِينٍ. هَمَّازٍ مَّشَّاءٍ بَنَمِيمٍ. مَّنَّاعٍ لِّلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَئِيمٍ. عَتَلٌ بَعْدَ ذَٰلِكَ زَنِيمٍ. أُنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَ بَنِيٍّ» (قلم: ۱۰-۱۴): و اطاعت مکن از هر بسیار سوگند یادکن خوارشده. بسیار عیب‌جویی که به سخن‌چینی فراوان گام بر می‌دارد. بسیار بازدارنده از نیکی، تجاوزگر گنه‌پیشه. پرخور سختدل، که بعد از این (همه) بی‌تبار است. (ای‌ها به دلیل آن است) که دارای ثروت و پسران است!
آیات قرآن، نازل و بر آنها تلاوت شده است. افسانه‌های پیشینیان در میان مخاطبان وجود داشته است که از نظر مخاطب آیات قرآن به آنها شباهت داشته است.	«إِذَا تَنَتَلَىٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ»: هنگامی که آیات ما بر او خوانده می‌شود، می‌گوید: (این‌ها) افسانه‌های پیشینیان است. (قلم: ۱۵)
درس خواندن نیاز به کتاب دارد.	«أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ»: بلکه آیا برای شما کتابی است که از آن درس می‌خوانید؟ (قلم: ۳۷)
روز قیامت سالم نیستند.	«وَقَدْ كَانُوا يَدْعُونَ إِلَى السُّجُودِ وَ هُمْ سَآئِلُونَ»: و همواره به سوی سجده فراخوانده می‌شدند؛ در حالی که سالم بودند. (۴۳)
پیامبر از آنها اجری نخواسته است. آنها زیر بار پرداخت اجری نیستند.	«أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرُومٍ مُّتَقَلَّبُونَ»: یا از آنان پاداشی می‌طلبی، پس آنان از زیان (آن) گرانبارند؟! (قلم: ۴۶)
پیامبر خود را در جامه‌ای پیچیده بوده است.	«بِأَيِّهَا الْمُرْمَلُ»: ای جامه [به خود] پیچیده! (مزمّل: ۱)
مخاطب با ماجرای فرعون و موسی ولو به شکل اجمالی آشنایی دارد.	«إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَاهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا»: درواقع ما به سوی شما فرستاده‌ای فرستادیم که گواه بر شماست؛ همان‌گونه که به سوی فرعون فرستاده‌ای فرستادیم. (مزمّل: ۱۵)
ابولهب فرد ثروتمندی بوده است.	«مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ»: ثروتش و آنچه کسب کرده بود، (عذاب را) از او دفع نکرد. (مسد: ۲)

۳-۲. پیش فرض وجودی

بول در بیان مصادیق پیش فرض وجودی به صفت ملکی و اسم های معرفه اشاره می کند. در قواعد عربی می توان این مصداق را در شش نوع معرفه یعنی ضمیر، اضافه به اسم معرفه، اسم خاص، اسم دارای ال، اسم موصول و اسم اشاره یافت. براساس دسته بندی معارف در قواعد زبان عربی، واژه های یافت شده در جدول زیر دسته بندی می شوند:

خواهد شد. وجود پیامبر و مخاطبان او و نیز قرآن که پیامبر، آیات آن را تلاوت می فرموده، روشن است. مفاهیم تعلیم، نوشتن، انتخاب، حکم، تکذیب، کفر، ایمان و کسب نیز روشن است.

اما اسم هایی که به واسطه ال تعریف معرفه شده اند، بسیارند که از نظر معنایی به دسته های زیر تقسیم می شوند:

جدول شماره دو: دسته بندی اسم های معرفه در پنج سوره منتخب

اسم های معرفه به ال	کلمات
پدیده های آفاقی	اللیل (مزمّل: ۲ و ۶ و مدثر: ۳۳)، النهار (مزمّل: ۷)، المشرق و المغرب (مزمّل: ۹)، الأَرْضُ وَ الْجِبَالُ (مزمّل: ۱۴)، السماء (مزمّل: ۱۸)، القمر (مدثر: ۳۲)، الصبح (مدثر: ۳۴)
پدیده های مربوط به آخرت	جَنَاتِ النَّعِيمِ (قلم: ۳۴)، يوم القيامة (قلم: ۳۹)، السجود (قلم: ۴۲ و ۴۳)، الغيب (قلم: ۴۷)، أصحاب النار (مدثر: ۳۱)، أصحاب اليمين (مدثر: ۳۹)، يوم الدين (مدثر: ۴۶)، الآخرة (مدثر: ۵۳)
صفات	الأكرم (علق: ۳)، المفتون (قلم: ۶)، المهتدين (قلم: ۷)، المكذبين (قلم: ۸)، الأولين (قلم: ۱۵)، المتقين (قلم: ۳۴)، المسلمين و المجرمين (قلم: ۳۵)، العزّمل (مزمّل: ۱)، المكذبين أولي النعمة (مزمّل: ۱۱)، فعصى فرعون الرسول (مزمّل: ۱۶)، الولدان (مزمّل: ۱۷)، المدثر (مدثر: ۱)، الكافرين (مدثر: ۱۰)، و المؤمنون (مدثر: ۳۱)، الكافرون (مدثر: ۳۱)، إنها لآخذي الكبر (مدثر: ۳۵)، المجرمين (مدثر: ۴۱)، المصلين (مدثر: ۴۳)، المسكين (مدثر: ۴۴)، الخاضعين (مدثر: ۴۵)، الشافعين (مدثر: ۴۸)
اشاره به قرآن	هذا الحديث (قلم: ۴۴)، الذكر (قلم: ۵۱)، القرآن (مزمّل: ۴)
اسم جنس	الإنسان (علق: ۲ و ۵)، القلم (علق: ۴، قلم: ۱)، والرّجز فاهجر (مدثر: ۵)، النافور (مدثر: ۸)، البشّر (مدثر: ۲۵ و ۳۱)، لواححة للبشّر (مدثر: ۲۹)، اليقين (مدثر: ۴۷)، التذكرة (مدثر: ۴۹)، التقوى و المغفرة (مدثر: ۵۶)، الحطب (مسد: ۴) فرعون (مزمّل: ۱۵)، الله (مدثر: ۳۱ و ۵۶)، أبي لهب (مسد: ۱)
اسم خاص	

جدول شماره یک: واژگان دال بر پیش فرض وجودی

ضمیر	أنت (قلم: ۲)، لك (قلم: ۳)، وَ إِنِّكَ (قلم: ۴)، إِنَّ رَبِّكَ هُوَ أَعْلَمُ (قلم: ۷)، لکم (قلم: ۳۹-۳۶)، سَأَلَهُمْ (قلم: ۴۰)، ذَرْنِي (قلم: ۴۴)، سَنَسْتَدْرِجُهُمْ (قلم: ۴۴)، وَ أَقْبَلِي لَهُمْ (قلم: ۴۵)، تَسْأَلُهُمْ (قلم: ۴۶)، وَ مَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ (قلم: ۵۲)، ذَرْنِي (مزمّل: ۱۱)
اضافه به ضمیر	ربك (علق: ۱، ۳، ۷، ۲، ۷، ۸، مدثر: ۳، ۷، ۳۱)، سَبِيلِهِ (قلم: ۷)، آيَاتِنَا (قلم: ۱۵)، رَيْهَم (قلم: ۳۴)، بَشْرَكَانِهِمْ (قلم: ۴۱)، كِيدِي (قلم: ۴۵)، بِأَبْصَارِهِمْ (قلم: ۵۱)، رَبِّهِ (مزمّل: ۱۹)، لَايْتِنَا (مدثر: ۱۶)
اسم موصول	الَّذِي خَلَقَ (علق: ۱)، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ (علق: ۴)، مَا لَمْ يَعْلَمْ (علق: ۵)، مَا يَسْطُرُونَ (قلم: ۱)، مَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ (قلم: ۷)، إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ (قلم: ۳۸)، إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ (قلم: ۳۹)، مَنْ يَكْذِبْ بِهَذَا الْحَدِيثِ (قلم: ۴۴)، الَّذِينَ كَفَرُوا (قلم: ۵۱ و مدثر: ۳۱)، وَ اصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ (مزمّل: ۱۰)، وَ مَنْ خَلَقْتَ (مدثر: ۱۱)، الَّذِينَ أَوْتُوا الْكِتَابَ (مدثر: ۳۱)، الَّذِينَ آمَنُوا (مدثر: ۳۱)، الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ (مدثر: ۳۱)، مَنْ يَشَاءُ (مدثر: ۳۱)، لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ (مدثر: ۳۷)، مَنْ شَاءَ (مدثر: ۵۵)، مَا كَسَبَ (مسد: ۲)
اسم اشاره	إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ (مزمّل: ۱۹)، فَذَلِكِ يَوْمَئِذٍ عَسِيرٌ (مدثر: ۹)، مَا ذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا (مدثر: ۳۱)

براساس جدول فوق، وجود خداوند، پیامبر، مخاطبان پیامبر (منکران)، قرآن، آیات، سبیل، شرکاء، کید، ابصار، خلقت، قلم، تعلیم، نوشتن، گمراهی، انتخاب، حکم، تکذیب، کفر، صبر، کتب آسمانی پیشین، ایمان، بیمار دلی، مشیت، کسب و روز قیامت با توجه به معرفه بودن نشان در زمان نزول این سوره ها در میان مخاطبان قرآن مفروض بوده اند. درباره پیش فرض وجود خداوند در ادامه صحبت

داده های فوق نشان می دهند کاربرد اسم های معرفه با ال بر پیش فرض وجودی رب، قرآن، پدیده های آفاقی، پدیده های مربوط به آخرت و اشخاصی همچون فرعون و ابولهب دلالت می کند. همچنین، کاربرد ضمائر نشان می دهد مخاطب قرآن (پیامبر) با کاربرد ضمیر مخاطب،

گوینده آیات (خداوند) با کاربرد ضمیر متکلم و مخالفان پیامبر با کاربرد ضمیر جمع غایب و مخاطب دارای پیش فرض وجودی هستند. کاربرد اسم موصول درباره خداوند، ندانسته‌های انسان، نگاشته‌های انسان، گمراهان، انتخاب، حکم، قول مخالفان قرآن، کافران، اهل کتاب، مؤمنان، بیماردلان و ابولهب بر پیش فرض وجودی آنها دلالت می‌کند. همچنین، کاربرد اسم اشاره درباره قرآن کریم بر پیش فرض وجودی آن دلالت می‌کند. کاربرد صفات (اسم فاعل، اسم مفعول و ... با ال که می‌تواند عهد یا موصول باشد، در هر دو حالت بر پیش فرض وجودی آنها دلالت می‌کند. از جمله این صفات می‌توان از مهتدین، متقین، مسلمین، مؤمنین، مصلین و نیز مکذبین، مجرمین، کافرین و خائضین نام برد. در مواردی همچون انسان، قلم، ناقور، بشر، یقین، تذکره، تقوی و مغفوره، ال، برای جنس است؛ اما همچنان بر پیش فرض وجودی آنها دلالت می‌کند.

۳-۲-۱. کاربردشناسی واژه‌ها

در این قسمت از پژوهش، پیشینه برخی از این واژه‌ها بررسی می‌شود تا روشن شود آیا حقیقتاً مخاطب عصر نزول نسبت به آنها اطلاعات پیشین داشته است یا خیر.

واژه رب: واژه رب دو بار در سوره علق، سه بار در سوره قلم، یک بار در سوره مزمل و سه بار در سوره مدثر به ضمیر مخاطب «ک» اضافه شده است. همچنین، در سوره قلم یک بار به ضمیر «هم» و در سوره مزمل به ضمیر «ه» و «مشرق و مغرب» اضافه شده است. با این حساب، واژه‌ای که بیش از همه در سوره‌های نخست به صورت معرفه به کار رفته، واژه «رب» است که نشان‌دهنده پیش فرض وجودی است. سپس واژه «الله» در سوره مدثر دو بار آمده است. واژه رب در تمامی زبان‌های سامی پیش از نزول قرآن کریم با اندکی تفاوت در تلفظ در دو معنای اساسی «بزرگ» و «فراوان و زیاد» به کار می‌رفته است. این واژه تا اوایل قرن پنجم میلادی،

تنها در زبان سبئی در سیاق دینی و در ترکیب‌هایی اضافی در اشاره به «خدای راستین/خالق» به کار رفته و سپس با این معنا به زبان عربی و سایر زبان‌های سامی راه یافته است (خوانین زاده، ۱۳۹۴ش، صص ۹۶-۹۷). براساس دیدگاه‌های فرهنگ‌نویسان متقدم، واژه «رب» در زبان عربی از پیش از اسلام در معنای «مالک» به کار می‌رفته که می‌توانسته است در تقابل با شیء یا انسان مملوک بوده باشد و در هر دو صورت به معنای «سرور/صاحب اختیار» بوده است (خوانین زاده و نجارزادگان، ۱۳۹۳ش، صص ۴۶-۴۷). در زمان جاهلیت نیز «رب» در معنای پادشاه به کار رفته است. در شعر حارث بن حلزله آمده است: «وهو الربّ والشهید علی یوم الحیارین والبلاء بلاء (زیبیدی، ۱۴۱۴ق، ج ۲، ص ۴): او پادشاه و شاهد روز حیارین است و بلا، بلا است». در شعر لیبید بن ربیع آمده است: «فاهلکن یوماً رب کنده وابنه ورب معد بین خبت و عرعر (طوسی، بی تا، ج ۱، ص ۳۳): روزی پادشاه کنده و پسرش و پادشاه معد را بین خبت و عرعر از بین خواهیم برد»؛ بنابراین، عرب پیش از نزول قرآن با این واژه آشنایی داشته و آن را به معنای صاحب و نیز پروردگار به کار می‌برده است. از مثال‌هایی که این واژه در آن به معنای صاحب به کار رفته، پاسخ عبدالمطلب به ابرهه است که می‌گوید: «أنا رب الإبل وإنّ للبيت رباً سيمعنه: من صاحب شترم و این خانه صاحبی دارد که آن را حفظ می‌کند» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۲۷، ص ۳۳۲). عرب جاهلی به بت لات نیز «الربة» می‌گفت. عروه بن مسعود می‌گوید: «لما اسلم وعاد إلى قومه، دخل منزله فأنكر قومه دخوله قبل أن يأتي الربة: وقتی تسلیم شد و به سراغ قومش بازگشت، وارد خانه‌اش شد. قومش ورود او را پیش از اینکه نزد الربه (لات) برود، ناشایست دیدند» (ابن الأثير، ۱۳۶۷ش، ج ۲، ص ۸۰). استعمال لفظ رب به معنای خداوند بر اثر تطور معنا و به دلیل وجود تشابه بین خدا و پادشاه است. نامگذاری بت لات به الربة نیز به سبب وجود چنین تشابهی بوده است؛ زیرا بت در نظر آنان،

المغرب، الأرض، الجبال، السماء، القمر، الصبح. روشن است این پدیده های طبیعی برای عرب جاهلی کاملاً شناخته شده بوده اند و به همین دلیل، در میان تمامی اسم هایی که در این سوره ها آمده اند، این اسم ها به طور خاص به صورت معرفه به کار رفته اند.

پدیده های مربوط به آخرت: علت معرفه آمدن پدیده های مربوط به آخرت پیش فرض داشتن مخاطب نسبت به مسئله معاد است؛ زیرا عرب جاهلی کاملاً با ادیان آسمانی بیگانه نبود و ادیان ابراهیمی در حجاز حضور داشتند. در پنج سوره نخست، واژگان «جَنَاتِ النعیم، يوم القيامة، السجود، الغیب، أصحاب النار، أصحاب الیمین، يوم الدين و الآخرة» در ارتباط با قیامت به صورت معرفه آمده اند. درباره اعتقاد به قیامت در جاهلیت در *تاریخ المحبر* آمده است: «بیشتر عرب ها به روز رستاخیز ایمان داشتند؛ برای مثال، اعشی چنین سروده است:

و ما أیئلیٰ علیٰ هیکل بناه و صلّب فیه و صارا

یراوح من صلوات الملیک طورا سجودا و طورا جوارا
بأعظم منک تقیٰ فی الحساب إذا القسمات یفرض الغبارا

(هیچ کشیشی که معبدی می سازد و در آن به پرستش مسیحی می پردازد و با نیایش فرشتگان به سجده می افتد و صدای تضرعش برای خداوند، آسمان را پر می کند، در روز حساب و هنگام گشوده شدن قبرها از تو متقی تر نخواهد بود). آنان به محاسبه روز قیامت نیز معتقد بودند.

اخنس بن شهاب التمیمی شاعر عصر جاهلی گفته است:
لقد شهدت الخصم يوم دفاعه فأخذت منه خطة المقتال
و علمت أن الله جاز عبده يوم الحساب بأحسن الاعمال

(دشمن را در روز دفاعش در برابر ما دیدم و برنامه جنگ را از او یاد گرفتم و دریافتم خداوند در روز حساب، بنده اش را به بهترین شکل پاداش خواهد داد) (بغدادی، بی تا، صص ۲۲۲-۲۲۳).

آیه «إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّاتٍ النَّعِيمِ» (قلم: ۳۴) با

بزرگ و مورد احترام بود و آن را خدای خود می خواندند (کردنژاد، ۱۳۸۹ش، ص ۳۷).

واژه قلم: این واژه یک بار در سوره علق و یک بار در سوره قلم به صورت معرفه آمده است. قلم و مشتقاتش در مجموع چهار بار در قرآن به کار رفته که دو بار آن در دو سوره نخست از نظر ترتیب نزول است. طبق نظر زبان شناسان، واژه قلم ریشه یونانی «Kalamos» دارد و در زبان های آرامی «Qolmos»، سریانی «Qalamos-Qalma»، حبشی «Qalam» و لاتین «Calamus» نیز با صورتی مشابه به معنای نی یا وسیله نوشتن به کار می رود (مشکور، ۱۳۵۷ش، ج ۲، ص ۷۲۰). با توجه به ریشه شناسی این واژه، به نظر می رسد معنای اصلی قلم، همان ابزار نوشتن بوده و ریشه «قلم» به معنای قطع کردن، بعداً از آن ساخته شده است (حسینی کارنامی، ۱۳۹۴ش، ص ۱۷۳). قلم براساس آنچه در متون جاهلی آمده، از نی، ساخته و تراشیده می شده است و سپس با استفاده از جوهر با آن می نوشته اند. به نظر می رسد انواع دیگری از قلم نیز بوده که نیازی به جوهر نداشته است. نوشته های روی سنگ ها دال بر این مطلب است. اشعار جاهلی زیادی به واژه قلم اشاره کرده اند؛ از جمله: عدی بن زید: «له عنق مثل جذع السحو.. ق والأذن مصنعة كالقلم: گردنی مانند تنه بلند نخل دارد و گوشه که همچون قلم تراشیده شده است» (البکری، ۱۹۳۵م، ص ۸۷۶). زبرقان بن بدر می گوید: «هم یهلکون ویبقی بعد ما صنعوا ... کأن آثارهم خطت بأقلام: آنها هلاک می شوند و آثارشان باقی می ماند. گویا آثارشان با قلم نگاشته شده است» (جاحظ، ۱۹۹۸م، ج ۳، ص ۱۷۹)؛ بنابراین، این واژه در فرهنگ جاهلی کاملاً جا افتاده بوده است و معرفه آمدن آن در نخستین آیات قرآن کریم، این پیش فرض را تأیید می کند.

پدیده های آفاقی: از دیگر اسم هایی که در این سوره ها به صورت معرفه آمده اند، اسم های مربوط به پدیده های آفاقی هستند؛ مانند اللیل، النهار، المشرق،

می‌رود. در زبان عربی حرف لو شرطیه امتناعیه و نیز استفهام انکاری بیان‌کننده واقعیت‌ناپذیرها هستند.

«وَدُوًّا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ»: دوست داشتند نرمی کنی تا نرمی کنند. (قلم: ۹)

«أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ»: آیا مسلمانان را مانند مجرمان قرار می‌دهیم؟ (قلم: ۳۵)

«أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ»: آیا کتابی دارید که از آن درس بخوانید؟ (قلم: ۳۷)

«أَمْ لَكُمْ أَيْمَانٌ عَلَيْنَا بِالْعَقَّةِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ إِنَّ لَكُمْ لِمَا تَحْكُمُونَ»: یا برای شما بر ما سوگندها (و پیمان‌های) رسایی تا روز رستاخیز است که آنچه را داوری می‌کنید برای شماست؟! (قلم: ۳۹)

«أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ»: آیا شریکانی دارند؟ (قلم: ۴۱)
«أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا»: آیا از آنها اجری می‌خواهی؟ (قلم: ۴۶)

«أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ»: آیا غیب نزد آنهاست؟ (قلم: ۴۷)
در آیه نخست حرف شرطیه امتناعیه «لو» بر واقعیت‌ناپذیر بودن پیش‌فرض نرمی کردن پیامبر دلالت دارد. در آیات بعد اسلوب استفهام انکاری بر پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر تساوی مسلمانان با مجرمان، کتاب‌داشتن مخالفان پیامبر، سوگندداشتن آنها بر حکمشان، شریک‌داشتنشان، دست‌رسی به غیب و درخواست اجر توسط پیامبر دلالت می‌کند.

۳-۵. پیش‌فرض واژگانی

این پیش‌فرض با افعال استنباطی، تغییر حالت، تکراری‌ها، قضاوت، ساخت‌های مقایسه‌ای و تقابلی به کار می‌رود. در آیات بررسی‌شده، این پیش‌فرض را می‌توان در ساختار تفضیلی، قید زمان «إِذْ و إِذَا» و نیز افعال تغییر حالت یافت.

«أَقْرَأَ وَ رَبُّكَ الْأَكْرَمُ»: بخوان در حالی که پروردگارت ارجمندتر است. (علق: ۳)

«فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا»: پس

معرفه‌آوردن «جَنَاتِ النعیم»، وجود بهشت و آخرت را پیش‌فرض‌های وجودی مفروض گرفته است. وقتی مشرکان این آیه را شنیدند، گفتند: «اگر آخرتی باشد، ما در آخرت از یاران محمد پاداش بهتری خواهیم داشت» و با عبارت «اگر آخرتی باشد»، این پیش‌فرض را مایه تردید قرار دادند. همچنین، با عبارت «ما در آخرت از یاران محمد پاداش بهتری خواهیم داشت» پیش‌فرضی مطرح کردند که آیه بعد با اسلوب استفهام انکاری به غیر واقعی بودن آن اشاره می‌کند: «أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ» (قلم: ۳۵). این اسلوب استفهام انکاری در آیات بعد نیز ادامه پیدا می‌کند.

۳-۳. پیش‌فرض واقعیت‌پذیر یا وقوعی

این نوع پیش‌فرض غالباً با افعالی مانند دانستن، فهمیدن یا کلماتی مانند آگاه، عجیب، خوشحال و غیره به کار می‌رود و فرض بر درست‌بودن پیش‌فرض دارد. در سوره‌های بررسی‌شده عبارات موصولی بعد از افعال دال بر دانستن از مصادیق این پیش‌فرض هستند.

«عَلَّمَ الْأَنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَم»: به انسان آنچه را آموخت که نمی‌دانست (علق: ۵).

«فَسَبِّحْهُ وَ يُبْصِرُونَ بِأَبْصَارِهِمْ الْمُتَّقُونَ»: به زودی می‌بینی و می‌بینند که کدام یک از شما (دیوانه) فریب خورده‌اید! (قلم: ۵-۶).

«إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَ هُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ»: پروردگارت آگاه‌تر است که چه کسی از راهش گمراه شده و به راه‌یافتگان آگاه‌تر است. (قلم: ۷)

آیه نخست نشان می‌دهد مفروض است که انسان چیزهایی را نمی‌داند. آیه دوم مفتون‌نبودن پیامبر را مفروض می‌گیرد و آیه سوم بر این فرض دلالت دارد که کسانی گمراه و کسانی راه یافته‌اند.

۳-۴. پیش‌فرض واقعیت‌ناپذیر

این پیش‌فرض غالباً با افعالی مانند خیال‌کردن، خواب‌دیدن و ساختارهایی چون شرطی غیر واقعی به کار

داوری می کنید؟! (قلم: ۳۶)

«أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ. إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ»: آیا برای شما کتابی است که از آن درس می خوانید که در آن (کتاب) است که آنچه را شما بر می گزینید، برای شماست؟! (قلم: ۳۷-۳۸)

«أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ»: یا (اسرار) نهان فقط نزد آنان است پس آنان (از آنجا) می نویسند؟! (قلم: ۴۷)

در این آیات سؤال تصدیقی نیست تا بپرسد آیا حکم می کنید و آیا درس می خوانید؛ بلکه در آیه نخست با استفاده از کلمه استفهامی «کیف»، اصل حکم کردن مفروض گرفته شده و در آیات دوم و سوم با سؤالی دوگانه قسمت دوم سؤال مفروض انگاشته شده است؛ یعنی سؤال از کتاب و غیب داشتن است؛ اما اصل درس خواندن و گزینش از کتاب و نیز نوشتن از غیب در ادامه سؤال به صورت پیش فرض مطرح شده است؛ یعنی اگر مخاطب چیزی را انتخاب می کند یا می نویسد، لازمه آن داشتن کتاب و آگاهی از غیب است.

۴. نتیجه گیری

۱. پژوهش حاضر نشان می دهد می توان از الگوی پیش فرض های یول برای کشف پیش فرض مخاطبان عصر نزول در سوره های قرآن استفاده کرد. شش دسته واژگان معرفه در زبان عربی نشان دهنده پیش فرض وجودی واژه هستند. کاربرد مفاهیم بعد از افعال دال بر دانستن و مانند آن از جمله علم و أبصر به پیش فرض واقعیت پذیر و کاربرد مفاهیم در اسلوب استفهام انکاری و حرف شرطیه امتناعیه «لو» بر واقعیت ناپذیر بودن پیش فرض دلالت می کند. همچنین، ساختار تفضیلی در مفردات و جملاتی که در جایگاه صلّه، صفت و مضاف الیه قرار می گیرند و نیز افعال تغییر حالت مانند «لیستیقن» و «یزداد» نشان دهنده پیش فرض واژگانی هستند و سؤالاتی که در ضمن سؤالی دیگر بیان می شوند، در مصادیق پیش فرض ساختاری جای می گیرند.

اگر کفر بورزید، چگونه [خودتان را] از (عذاب) حفظ می کنید؟ روزی که کودکان را سپید موی (و پیر) می کند.

(مزم: ۱۷)

«لَيْسَتِيقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزْدَادُ الَّذِينَ آمَنُوا إِيمَانًا»: تا کسانی که به آنان کتاب داده شده، یقین کنند و بر ایمان کسانی که ایمان آوردند، بیفزاید. (مدثر: ۳۱)

«وَ الْيَلِيلِ إِذْ أَدْبَرَ»: و سوگند به شب، هنگامی که پشت کند! (مدثر: ۳۳)

«وَ الصُّبْحِ إِذَا اسْفَرَّ»: و سوگند به صبح، هنگامی که روشن شود! (مدثر: ۳۴)

«مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَ مَا كَسَبَ»: ثروتش و آنچه کسب کرده بود، (عذاب را) از او دفع نکرد (مسد: ۲)

در آیه نخست، ساختار تفضیلی کلمه اکرم بر پیش فرض وجود «اصل کرم» دلالت می کند. در آیه دوم، قرار گرفتن جمله «يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا» در جایگاه صفت «یوم»، بر پیش فرض روزی که کودکان را پیر می کند، دلالت دارد. در آیه سوم، فعل تغییر حالت «لیستیقن» عدم یقین پیشین اهل کتاب و فعل «یزداد» ایمان پیشین اهل ایمان را مفروض می گیرد. در آیات چهارم و پنجم، به کار رفتن جمله در جایگاه مضاف الیه «إذ» و «إذ»، پشت کردن شب و روشن شدن صبح را مفروض می گیرند و آیه آخر با کاربرد فعل «کسب» در جایگاه صلّه، بر پیش فرض داشتن مال و کسب ابولهب دلالت می کند.

۳-۶. پیش فرض ساختاری

در این نوع پیش فرض ها، تحلیل ساختارهای جمله بر این اساس صورت می گیرد که این ساختارها در قالبی متعارف و منظم، صحت پاره ای از آن ساختار خود را از قبل مفروض می دانند. کلمات پرسشی که پاسخشان آری و خیر نیست، می توانند بیان کننده چنین پیش فرضی باشند. مصداق این کلمات در زبان عربی کلمات استفهامی به جز هل تصدیقیه هستند.

«مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ»: شما را چه شده؟! چگونه

پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
 الأسد، ناصر الدین. (۱۹۷۸م). *مصادر الشعر الجاهلی وقيمتها التاريخیه*. قاهره: دار المعارف.
 البغدادی، محمد بن حبيب. (بی‌تا). *المحبر، بیروت: دار الآفاق الجدیدة*.
 البکری الأونی، ابوعبید. (۱۹۳۵م). *سمط الآلکی*. بیروت: دار الکتب العلمیه.
 اکرمی، ایوب. (۱۳۹۸ش). *اعتبارسنجی دلایل و معیارهای تعیین ترتیب نزول قرآن*. پژوهش‌های قرآنی، (۹۰۱). ۱۰۵-۱۳۲.
 جاحظ، ابوعثمان عمرو بن بحر. (۱۹۹۸م). *البیان و التبيين*. قاهره: مکتبه الخانجی.
 حبيب الله، محمد. (۲۰۲۰م). *الافتراض المسبق فی روايه «عزایل» لیوسف زیدان بالنظر علی جورج یول: دراسة تحليلیه تداولیه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه اسلام نگری مولانا مالک ابراهیم.
 حسینی کارنامی، سید حسین. (۱۳۹۴ش). *نخستین اثر در تحلیل و بررسی اسناد و دلالات احادیث تفسیری قرآن کریم*. گرگان: نوروزی.
 خوانین زاده، محمد علی. (۱۳۹۴ش). *معناشناسی تاریخی واژه «رب»*. پژوهش‌های زبان‌شناختی قرآن (۴)، ۲، ۷۷-۱۲۰.
 خوانین زاده، محمدعلی و نجارزادگان، فتح‌اله. (۱۳۹۳ش). *بازخوانی دیدگاه‌های دانشمندان مسلمان در معنا و اشتقاق رب»*. *مطالعات قرآن و حدیث* (۱۵)، ۳۳-۶۷.
 رحیمی، ابوالقاسم و رحیمی، مهدی. (۱۴۰۱ش). *تحلیل زبانی-کاربردشناختی یک نامه دیوانی بر مبنای آراء جورج یول (مطالعه موردی: نامه حشم تگین‌آباد)*. *فصلنامه علمی کاوش‌نامه* (۲۳)، ۵۳، ۱۱۳-۱۴۰.
 زبیدی، محمد بن محمد. (۱۴۱۴ق). *تاج العروس*. بیروت: دار الفکر.
 سلمان‌زاده، جواد. (۱۳۹۹ش). *روش کشف ترتیب*

۲. در این بررسی روشن شد واژگان رب، الله، قلم، پدیده‌های آفاقی و واژگان مربوط به آخرت از پیش‌فرض‌های وجودی نخستین آیات نازل‌شده در قرآن کریم هستند. همچنین، شخص پیامبر و مخاطبان او اعم از مؤمنان و منکران، قرآن و اسامی خاصی همچون فرعون و ابولهب در این سوره‌ها به صورت معرفه آمده‌اند که بر پیش‌فرض وجودی آنها دلالت می‌کند. مفاهیمی همچون خلقت، تعلیم، گمراهی، انتخاب، حکم، تکذیب، کفر، صبر، ایمان، بیماردلی، مشیت و کسب نیز در دسته پیش‌فرض‌های وجودی قرار می‌گیرند.
 ۳. عدم علم پیشین انسان، مفتون‌نبودن پیامبر و نیز گمراهان و هدایت‌یافتگان با به کار رفتن بعد از افعال دال بر دانستن، پیش‌فرض‌های واقعیت‌پذیر موجود در نخستین سوره‌های نازل‌شده قرآن به شمار می‌روند.
 ۴. مدهانه پیامبر، تساوی مسلمانان و مجرمان، وجود کتاب و شریک و غیب برای منکران پیامبر و درخواست اجر توسط پیامبر نیز در اسلوب استفهام انکاری بر واقعیت‌ناپذیر بودن این پیش‌فرض‌ها دلالت می‌کند.
 ۵. وجود کرم، قیامت، عدم یقین پیشین اهل کتاب، ایمان پیشین اهل ایمان، پشت‌کردن شب و روشن‌شدن صبح و سرمایه ابولهب از پیش‌فرض‌های واژگانی هستند که در ساختارهای تفضیلی و پس از افعال استنباطی به کار رفته‌اند.
 ۶. درنهایت حکم‌کردن، نداشتن کتاب و غیب، پیش‌فرض‌های ساختاری هستند که در جملات استفهام انکاری در ضمن سؤالی دیگر بیان شده‌اند.

کتابنامه

قرآن کریم، ترجمه محمدعلی رضایی اصفهانی.
 ابن الأثیر، مبارک بن محمد. (۱۳۶۷ش). *النهایه فی غریب الحدیث والأثر*. قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
 ابوالفتوح رازی، حسین بن علی. (۱۴۰۸ق). *روض الجنان وروح الجنان فی تفسیر القرآن*. مشهد: بنیاد

سمت.

نزول با تمرکز بر اخبار ترتیب نزول. پژوهشنامه معارف قرآنی (۱۱) ۴۰، ۱۰۷-۱۲۸.

Bibliography

Abulfutouh Razi, H. (1987). Ruz al-Jinnan and Ruh al-Jinnan fi Tafsir al-Qur'an. Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.

طباطبایی، محمد حسین. (۱۳۷۴ش). تفسیر المیزان.

ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

Akrami, A. (2019). Testing Validity of the Reasons and Criteria for Determining Revelation Order of the Qur'an. Quranic Researches. 1(90), 105-132. [In Persian]

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۳۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن. تهران: ناصر خسرو.

Al-Baghdadi, M. (n.d.). Al-Mohabbar. Beirut: Dar al-Afaq Al-Jadida.

طوسی، محمد بن حسن. (بی تا). التبیان فی تفسیر القرآن. بیروت: دار احیاء التراث العربی.

Al-Bakri al-Awni, A. (1935). Samat al-Laali. Beirut: Dar al-Kutub al-Ilmiya.

فضائلی، مریم و طیرانی، مریم سادات. (۱۳۹۳ش).

Asad, N. (1978). Sources of Jahili Poetry and Its Historical Values. Cairo: Dar al-Maarif.

نگاهی کاربردشناختی به کلام امام خمینی (ره) درباره اصل ولایت فقیه؛ بررسی انواع پیش انگاری ها. پژوهشنامه

Fazaeli, M., and Taiyarani, M. (2013). Pragmatic Considering of Imam Khomeini's speech on Velayat-e Faghih Principle; Surveying types of presuppositions. A Quarterly Scientific – Research Journal on Islamic Revolution, 3 (10), 113-132. [In Persian]

انقلاب اسلامی، ۳ (۱۰)، ۱۳۲-۱۱۳.

Habibullah, M. (2020). The presupposition in the novel "Azazil" by Liussef Zidan, according to Ali George Yule: a discourse analytical study. master's thesis. Maulana Malik Ebrahim University of Islamic Studies. [In Persian]

کردنژاد، نسرین. (۱۳۸۹ش). معناشناسی واژه «رب».

فصلنامه تخصصی علوم قرآن و حدیث، ۱(۴)، ۳۴-۵۱.

Hosseini Karnami, H. (2014). The first work in the analysis and investigation of the documents and meanings of hadith interpretations of the Holy Qur'an. Gorgan: Nowroozi. [In Persian]

محمدی، عادل. (۱۳۹۶ش). منظورشناسی و تحلیل

گفتمان. تهران: جامعه شناسان.

Ibn al-Athir, M. (1988). Al-Nahiya fi Gharib al-Hadith wa al-Athar. Qom: Ismailian Press Institute.

مشکور، محمد جواد. (۱۳۵۷ش). فرهنگ تطبیقی

عربی با زبان های سامی و ایرانی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

Jahiz, A. (1998). Al-Bayan and Al-Tabyin, Cairo: Al-Khaanji School.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۷۴ش). تفسیر نمونه.

تهران: دار الکتب الإسلامیه.

Khaninzadeh, M., and Najarzagdegan, F. (2013). Review of Muslim scholars on the meaning and derivation of "Rabb". Qur'an and Hadith Studies. (15), 33-67. [In Persian]

ملاحویش آل غازی، عبدالقادر. (۱۳۸۲ش). بیان

المعانی. دمشق: مطبعة الترقی.

Khawaninzadeh, M. (2014). Historical Semantics of the Word "Rabb". Linguistic Research in the Holy Qur'an. (4) 2, 77-120. [In Persian]

ناظمیان، رضا؛ حاج مؤمن، حسام و جمشید، محمد.

(۱۳۹۲ش). پیش فرض های بافتی و تلاش پردازش در

ترجمه آیات بافت محور قرآن؛ دیدگاه نظریه مناسب.

پژوهش های ترجمه در زبان و ادبیات عربی، ۶ (۳)، ۶۸-۴۹.

Kordenjad, N. (2009). Semantics of the word "Lord". Specialized Journal of Qur'an and Hadith. 1(4), 34-51. [In Persian]

بول، جورج. (۱۹۹۶م). کاربردشناسی زبان. آکسفورد:

انتشارات دانشگاه آکسفورد.

بول، جورج. (۱۳۸۷ش). کاربردشناسی زبان. ترجمه

محمد عموزاده مهدیرجی و منوچهر توانگر، تهران:

- [In Persian]
- Salmanzadeh, J. (2019). Methodology of discovering the order of descent. *Research Journal on Quranic Knowledge*. (11) 40, 107-128. [In Persian]
- Tabarsi, F. (1993). *Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an*. Tehran: Nasser Khosrow.
- Tabatabai, M. (1995). *Tafsir al-Mizan*. Translated by Mousavi Hamdani, M. Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Society.
- Tusi, M. (n.d.). *Al-Tibyan fi Tafsir al-Qur'an*. Beirut: Dar Ihya Al-Trath al-Arabi.
- Yule, G. (1996). *Pragmatics*. Oxford: Oxford University Press.
- Yule, G. (2008). *Pragmatics*. Translated by Amouzadeh Mehdirji, M. & Tawanger, M. Tehran: Samt.
- Zubaydi, M. (1993). *Taj al-Arous*. Beirut: Dar al-Fikr.
- Makarem Shirazi, N. (1995). *Tafsir Nemooneh*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Persian]
- Mashkoo, M. (1978). *Comparative Arabic Dictionary with Semitic and Iranian languages*. Tehran: Farhang Iran Foundation. [In Persian]
- Mohammadi, A. (2016). *Pragmatics and discourse analysis*. Tehran: Sociologists. [In Persian]
- Mollahawaish Al Ghazi, A. (2003). *Bayan al-Ma'ani*. Damascus: Al-Tarqi Press.
- Nazemian, R., and Haj Momin, H. & Jamshid, M. (2012). Contextual Assumptions and Processing Efforts in Translation of Context-Based Verses of the Qur'an from Relevance Theory Perspective. *Translation Researches in the Arabic language and literature*. 6 (3), 68-49. [In Persian]
- Rahimi, A., and Rahimi, M. (2020). A Lingu-Paradigmatic Approach to The Retinue of Tagin-Abad's Letter Based on George Yule's Theory Kavodhnameh in Persian. *Language and Literature*. (23) 53, 113-140.

پی نوشت‌ها:

ⁱ Presupposition

ⁱⁱ Potential Presupposition

ⁱⁱⁱ Existential Presupposition

^{iv} Factive Presupposition

^v Non-factive Presupposition